

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه سی و چهارم، ۲۶ آبان ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل بورس /موضوع شناسی نحوه معامله در بورس

### 1- حدیث اخلاقی

حضرت سر الانبیا و المرسلین، حضرت امام علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام، در فرمایشی که امروز محضرتان تقدیم می شود که مرحوم مجلسی ره در بحار نقل فرمودند، عبارتشان این است:

وقال سويد بن غفلة: دخلت على أمير المؤمنين عليه السلام بعد ما بويع بالخلافة وهو جالس على حصير صغير، وليس في البيت غيره، فقلت: يا أمير المؤمنين بيدك بيت المال ولست أرى في بيتك شيئاً مما يحتاج إليه البيت؟ «فقال عليه السلام: يا ابن غفلة إن اللبيب لا يتأث في دار النقلة، ولنا دار أمن قد نقلنا إليها خير متاعنا، وإنا عن قليل إليها صائرون [1].»

### 1.1- صفات اولوا الألباب

#### 1.1.1- صفت اول: دل نبستن به دنیا

سبحان الله؛ از این فرموده بسیار حقیقی و واقعی و حقانی مظهر حق که «علی مع الحق و الحق مع علی [2]» صلوات الله و سلامه علیه. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

انسان لبيب - لبيب، انسان عاقل و خردمند و فرزانه است؛ کسی که اگر دیگران ظاهر می بینند، او باطن می بیند؛ این انسان لبيب می شود. ﴿إنما يتذكر أولوا الألباب﴾ [3] خطاب قرآن این است که صاحبان لب و عقل، اهل دقت و تأمل و عبرت گیری هستند. - انسان خردمند، برای سرایی که باید از آنجا منتقل شود، لا يتأث في دارالنقلة، یعنی هیچ گاه اثاثیه اش را در خانه ای که باید منتقل بشود، در آن جا نمی گذارد. هیچ گاه انسان در مسافرخانه سکونت دائمی پیدا نمی کند. انسان عاقل در دنیا که حکم مسافر خانه دارد، ساکن نمی شود؛ «الدنيا دار ممر لا دار مقر [4].» جای ایستادن و جای توقف نیست. جالب است که یکی از یاران حضرت در زمان خلافت حضرت، بر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد، دید حضرت روی حصیر کوچکی نشستند و هیچ چیزی در اتاق شان نیست. حضرت این جمله را انشاء فرمودند. این قابل توجه برای همه عقلا و همه علما و صاحبان اولوا الألباب است که حرف هایشان با عمل شان یکی باشد.

#### 1.1.2- صفت دوم: آمادگی برای آخرت

حضرت فرمودند: و لنا دار، برای ما خانه‌ای است که قد نقلنا إليها ما منتقل می‌کنیم به این خانه، بهترین متاع‌مان را و بهترین اثاث‌مان را در آن خانه باید منتقل کنیم؛ ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ [5] سعی ما برای ﴿إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ [6] است؛ ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا﴾؛ [7] ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ [8]. حضرت فرمودند: انسان عاقل در دنیا ساکن نمی‌شود؛ متاعش را برای آخرت نگه می‌دارد. چون این دار، دار آخرت است. ﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾ [9]. ﴿وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ﴾ [10]. تعبیر آیه شریفه قرآن که این حدیث هم، بیان همان آیه شریفه است.

ما از این دنیایی که بسیار متاعش قلیل است، به داری که متاعش خیر است، روندگان هستیم؛ ﴿إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾؛ مسیرمان به آخرت است؛ و باید سعی کنیم که آنچه برای آخرت نافع است، برداریم. اعزه من، اول برای خودم عرض می‌کنم؛ من حدیث نفس دارم؛ یک برنامه‌ریزی کنیم؛ وابسته به دنیا نباشیم؛ دنیا بد نیست؛ تعلقات به دنیا بد است. دنیا دار نقله و گذر است. آخرت دار توقف است؛ و توقف گاه و موقوف است؛ برای مواقفمان، چیزی در دستمان داشته باشیم.

ناصرالدین طوسی، وزیر سه پادشاه بود. سه پادشاه را وزارتشان را بر عهده داشت. (این شعر را) گفت:

افسوس هر آنچه برده‌ام، باختنی است بشناخته‌ها تمام، نشناختنی است برداشته‌ام، هر آنچه باید بگذاشت بگذاشته‌ام، هر آنچه برداشتنی است ما بدانیم که برداشت ما مطابق کاشت ما است.

در فرازی از الهی‌نامه عرض کردم: «الهی تا به حال فکر می‌کردم گذشته‌ها گذشت؛ اما گذشته‌ها جمع شد؛ بار الها با یوم الجمع چه کنیم.»

ما تمام دارالنقله‌مان و این مسافرخانه‌مان، به یک خانه ابدی می‌رود؛ به جایی که ان شاء الله آرام‌گاه همه ما خواهد بود. ببینیم برای آخرت‌مان چه برداشته‌ایم و چه می‌بریم. امیدواریم خود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف، عنایتی کنند و ما تحت اشراف و اشراق و هدایت خاصه ایشان، بتوانیم ان شاء الله من المتقین باشیم تا هدی للمتقین نصیب‌مان شود و جزء کسانی باشیم که ان شاء الله دنیا ما را شیفته و فریفته خود نکند. رزقنا الله إيانا و إياكم.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس، تا به حال به این نتیجه رسیدیم که:

1) بورس مشروعیت دارد به عنوان کلی نه به عنوان جزئی؛ جزئیاتش را کار نداریم. بازاری است که معاملاتی دارد.

2) این مشروعیت را، به ادله اربعه ثابت کردیم.

3) قرارداد اولیه کسی که وارد بورس می‌شود، وکالت است. (ما سعی کردیم که مسائلی هم که مطرح می‌کنیم، یک سیر منطقی داشته باشد) اول، کسی که وارد بورس می‌شود، قرارداد می‌بندد. ما عرضمان این شد که قراردادهای اولیه بورس را طوری که از مفاد قراردادهایشان و بعضی وقتها هم اهل بورس در نوشته‌هایشان تصریح کردند، اینها را به وکالت می‌دانیم؛ چون به وکالت می‌دانیم بعضی از مسائل وکالت را - اجمالا نه تفصیلا، به خاطر اینکه پیش‌نیاز برای مباحث بورس باشد - بیان کردیم.

4) وکالت، عقد جایز است؛ اما وکالت‌نامه و توکیل برای موکل و وکیل امر لازمی است. و آنچه که عقد وکالت بر او منعقد شده باید به آن وفادار باشند.

### 3- سرایت وکالت به لوازم متعلق وکالت

بحث جدید: اگر روزی توکیل در یک کاری مستلزم توکیل در کار دیگر بود، آیا این وکالت و توکیل، توکیل در لازمه کار را هم می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟

قطعا این طور است. یک مثال از خارج بورس و یک مثال از بورس بزنیم:

به شخصی وکالت دادید کتاب شما را خرید و فروش کند؛ این مستلزم این است که کتاب را بردارد و به بازار ببرد، عرضه کند، قیمت بگیرد و توافق کند و بعد قرارداد خرید و فروش کتاب را امضا کند و تصرفات در ثمن و مضمن داشته باشد. عرض ما این است که وکالت در بیع، وکالت در لوازم بیع هم هست؛ مثال بورس: شما یک قراردادی یا وکالت‌نامه‌ای در بورس، امضاء کردید؛ این مستلزم لوازم وکالت شما هم هست؛ مثلا امروز کارگزار شما، سهام شما را عرضه کند، قیمت بگیرد، طبق وکالت‌نامه پیش برود؛ اینها چیزهایی است که در لوازم وکالت لازم است.

### 3.1- نظر امام رحمه الله در مورد لوازم وکالت

در مسأله ۱۶ تحریر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه می‌فرمایند:

مسألة ۱۶ - «لابد أن يقتصر الوكيل في التصرف في الموكل فيه على ما شمله عقد الوكالة صريحا أو ظاهرا ولو بمعونة قرائن حالية أو مقالية) پس به معونه قرائن حالیه و مقالیه باید آنچه در وکالت‌نامه ثبت شده به آنها متعبد باشد و به آنها عمل کند (ولو كانت هي العادة الجارية على

أن التوكيل في أمر لازمه التوكيل في أمر آخر، كما لو سلم إليه المبيع ووكله في بيعه أو سلم إليه الثمن ووكله في الشراء. وبالجمله لا بد في صحة التصرف من شمول الوكالة له [11].»

با توجه به مسائلی که عرض شد، به خصوص مسأله امروز که وکالت نامه لزوم دارد، گرچه عقد وکالت جایز است، اما مواد و موارد وکالت نامه آنها، لازم الاجرا است.

#### 4-نسبت بورس با متاجر و مکاسب

با توجه به این مطالبی که عرض شد، وارد در تطبیق مسائل بورس بر این اساس شویم.

ما عرض مان این است که همان طور که بارها گفتیم، بورس را شرکت حقیقی یا حقوقی می دانیم که افراد خاصی با مدیریت مخصوصی و مدیر و مدیر عامل و حتی الآن به قدری گسترده شده که با کمیته ها و تالار مخصوصی که به آن تالار بورس می گویند، صاحبان اوراق یا مشتریان در بورس را کمک در داد و ستد می کنند؛ گرچه که بازار بورس به این عنوانی که الآن ما داریم، بازار جدید است؛ ولی چنانچه در عناوین روزهای گذشته بحث کردیم، گفتیم داخل در متاجر و مکاسب اسلامی ما است؛ یعنی ما نمونه اش را در عناوین فقهی داشته و داریم.

#### 5-ضرورت وجود کارگزار در بورس

بورس را همان طور که کارگزاران و شرکت بورس و معامله گران مطرح می کنند، بدون کارگزار تحقق نمی یابد. کارگزار در بورس هم شخصیت حقیقی و یا حقوقی است؛ همان طور که خود بورس هم همین طور است. شرکت حقوقی است که دارای افراد حقیقی است و عناوین مختلفی است.

معاملاتی که در بورس هست، فقط از طریق کارگزاران اتفاق می افتد. فعلا بورس ایران را بیان می کنیم؛ ان شاء الله فرصتی باشد، مباحث بورس ایران که بگذرانیم، چند جلسه راجع به بورس خارج از ایران هم موضوع شناسی خواهیم کرد که آن را دیگر باید مستقلا بحث کنیم. الآن که بورس می گوئیم، یعنی بورس ایران که تحت اشراف و اشراف قوانین مجلس و حاکم شرع و ولایت فقیه اداره می شود.

#### 6-لزوم آشنایی کارگزاران و معامله گران با مسائل فقهی بورس

کارگزاران هم معمولا افراد اقتصادشناس و معامله شناس هستند و حتی افرادی حقوقی هستند؛ معمولا این طور است که باید حقوق دان و وارد باشند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند «الفقه ثم المتجر [12].» اولین تکلیفی که کارگزاران دارند این است که باید آشنا با متاجر و مکاسب اسلامی باشند. حالا خدای نخواسته در راندمان های عملی هست یا نیست،

به آن کار نداریم؛ اصلش باید این گونه باشد. خودشان هم در انتخاب کارگزاران شرایطی دارند که یکی از شرایط کارگزاران، آشنایی با معاملات است. یاد قدیمی‌ها به خیر که حتی اگر کسی می‌خواست مغازه باز کند، اول نزد عالم آبادی یک دوره متاجر و مکاسب می‌خواند، بعد آن آقا می‌نوشت که می‌تواند مغازه‌داری کند؛ الآن که دیگر همه چیز به هم ریخته است.

ما امیدواریم روزی که اتاق اصناف ما همان‌طور که موارد قانونی را برای مغازه‌ها و اصناف تبیین می‌کنند، مسائل فقهی هم تبیین شود. همین مفاد حدیث گران‌قدر امام صادق علیه‌السلام است که حضرت فرمودند: جامعه از عالم بی‌نیاز نیست؛ [13] و جایگاه علما این گونه مشخص شود.

### 7- اولین گام های ورود در بورس

#### 7.1- گام اول: انتخاب کارگزار

ما عرض مان این است که کسانی که می‌خواهند وارد بورس شوند، یعنی خریدار یا فروشنده، اول کاری که باید کند، این است که انتخاب یک کارگزار کند.

#### 7.2- گام دوم: تنظیم قرارداد و وکالت نامه

بحث از اینجا شروع می‌شود که در انتخاب کارگزار، ما به این نتیجه رسیدیم که معامله‌گر و کسی که برای خرید و فروش به بورس وارد می‌شود، به کارگزار یک وکالت می‌دهد. و یک قرارداد می‌بندد؛ اسم این قرارداد را ما وکالت‌نامه می‌نامیم؛ و در این وکالت‌نامه به کارگزار اختیار خرید و فروش و تعویض و استقراض و دستورهای مختلف را می‌دهد. من با توجه به مفاد قراردادهایشان، عرض می‌کنم که چطور بورس تشکیل می‌شود و معامله‌گر معامله می‌کند؛ پس وکالت‌نامه امضا می‌کنند. گاهی اسم وکالت‌نامه را می‌آورند و گاهی متمم‌ها را می‌آورند و اسم وکالت را نمی‌آورند، ولی حقیقت وکالت است. ما این را جزء عنوان وکالت نامه می‌دانیم.

#### 8- لازم الوفاء بودن قرارداد و وکالت در بورس

اولین مطلب اینکه نفس این کار، امر جایزی است؛ اما پس از انجام چنین وکالت نامه‌ای و قراردادی واجب الوفا است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ [14] حالا در این قرارداد که اسمش وکالت‌نامه یا قرارداد بین کارگزار و معامله‌گر می‌گذاریم که کارگزار هم یک قرارداد بین خودش و بین بورس دارد، شاید اتفاقات مختلفی بیفتد که باید بررسی شود. کارگزار هم قرارداد با بورس دارد.

#### 9- اقسام وکالت دادن سرمایه دار به کارگزار در بورس

## 9.1-قسم اول: وکالت تام در همه امور بورس

یکی از اتفاقاتی که می‌افتد، این است که معامله‌گر به کارگزار، اجازه معامله آزاد می‌دهد؛ یعنی کارگزار هر گونه و هر نوع معامله‌ای را با این سرمایه‌ای که در اختیارش گذاشته شده، می‌تواند انجام دهد. من این را در پرانتز عرض کنم: اصل تشکیل بورس، برای هدایت و تجمیع سرمایه‌های سرگردان است؛ حالا این طریق، هدایت می‌شود و نتیجه دارد یا ندارد، بحث دیگری است که باید در آن تأمل کرد.

پس یک خرید و فروش آزاد است؛ معامله‌گر به کارگزار، اجازه می‌دهد که شما هرگونه خریدی طبق وکالت‌نامه دارید.

## 9.2-قسم دوم: وکالت خاص در بعضی از امور بورس

یک خرید و فروش دیگر این است که معامله‌گر وقتی می‌خواهد معامله کند، باید تخصص داشته باشد و گتره نباشد، سهام را شاخص‌های نزولی و صعودی‌اش را می‌بیند و تعدادش را مشخص می‌کند، طبق سرمایه‌ای که دارد به کارگزار دستور و فرمان خرید سهام مشخصی را صادر می‌کند؛ مثلاً می‌گوید امروز سهام فلان شرکت را خریدار هستم؛ یا اگر دارد فروشنده هستم. و به کارگزار می‌گوید که در ساعت‌های خاصی طبق قرارداد، معامله کن. در ایران در بورس، ساعت‌های خاصی مشغول فعالیت هستند.

وضعیت دیگری که اتفاق می‌افتد - کلیات را می‌گویم که مسأله‌شناسی کنم - معامله‌گر به کارگزارش مسئولیت می‌دهد که با یک قیمتی خاص از کالاها و سهام را خرید و فروش کند. من از متخصصین بورس، سؤال کردم؛ این امکان هست که مشخص کند، فلان سهم را با فلان قیمت بفروش یا بخر.

## 10-خرید و فروش با ربات در بورس

بحث دیگری هم هست که کارگزارها هم معمولاً خودشان با واسطه دستگاہ‌های جدید، خرید و فروش می‌کنند؛ و آنها هم قیمت می‌دهند؛ گاهی می‌شود بگوییم خرید و فروش، به واسطه ربات است و ربات‌ها هم در اختیار اشخاص ذوی العقول است.

## 11-انواع دیگر وکالت در بورس

گاهی خرید و فروش‌ها، به هر قیمتی است و گاهی، به قیمت خاص است. پس این اتفاقات که الآن می‌افتد که معامله‌گر و کارگزار، امضای قرارداد می‌کند. من با دقت قراردادها را نگاه کردم؛ ظاهراً این طور است که وکالت بلاعزل هم می‌دهند. و گاهی اوقات هم زمان ندارد؛ برای راحتی

کار خود، این کار را می‌کنند و این هم شرعی است. می‌تواند معامله‌گر امضا نکند؛ حالا که امضاء کرد باید ملزم باشد. این قراردادها آثار حقوقی هم دارد. و به تعبیر مسائل فقهی ما در مسائل اختلافی، ضمان و غیر ضمان، حقوق و غیر حقوق مشخص می‌شود. اگر معامله‌گری، به کارگزارش وکالت بلاعزل داد که هرگونه معامله آزادی انجام دهی، چه با قیمت خاص یا غیر آن، چه در روز خاصی یا غیر آن باشد.

## 12-وظیفه موکل در مقابل وکیل در معاملات بورس

هر معامله‌ای که کارگزار کند، موکل به عبارت بهتر موظف است تأمین نظر وکیل را انجام دهد؛ یعنی کارگزار وکیل می‌شود و معامله‌گر موکل است و مورد معامله، سهام است. به هر طریقی که معامله کند، موکل مجبور به اطاعت و رضایت است؛ مانند اینکه شما به دوست خود گفتید: کتاب من را بفروش؛ کتاب در اختیار شما است؛ الآن گفت: من کتاب را معامله کردم؛ شما قطعاً باید کتاب را تحویل دهید تا پول را بگیرید. مطلب مهمی که اینجا اتفاق می‌افتد، این است که در این وکالت‌نامه یا در این قرارداد یا در این مواد به عنوان شروط ضمن عقد هم، شرایطی ضمن عقد می‌آید. اینها خیلی دقیق است؛ ما باید تمام جوانب را موضوع شناسی کنیم؛ مثلاً یکی از شرایط ضمن عقد، این است که کارگزار سهمی به عنوان سود خودش به عنوان شرط ضمن عقد با معامله‌گر و کسی که می‌خواهد سهام را خرید و فروش کند، می‌گذارد؛ چنانچه همین شرط ضمن عقد هم بین قرارداد یا وکالت‌نامه یا بین معامله و عامل کاری کارگزار با بورس اتفاق می‌افتد؛ او هم یک شرط ضمن عقد می‌گذارد که هر معامله که کردی، اینقدر سود به تو می‌دهیم. حالا سودش به معیارش که متغیر است یا ثابت است کاری نداریم.

به عبارت بهتر، موکل یعنی معامله‌گر به وکیل، یعنی کارگزار وکالت می‌دهد که تعهداتی را بپذیرد و شرعاً هم مثل این قانوناً متعهد می‌شود که این کارها و اقدام عملی و قانونی و شرعی را برایش انجام دهد.

## 13-عوامل مؤثر در معاملات در بورس

### 13.1-عامل اول: زمان

از جمله این خصوصیات، خصوصیات زمان خرید و فروش است که در بورس، زمان امر مهمی است؛ البته در غیر بورس هم مهم است؛ ولی در بورس چون تصاعد و تنازل شاخص‌ها یا معامله‌ها یا سهام لحظه‌ای است، زمان خیلی مؤثر است.

### 13.2-عامل دوم: مشترک بودن یک کارگزار برای موکلین حقیقی و حقوقی مختلف

حتی به خصوص یک امر مهم دیگر این که کارگزار، تنها کارگزار این شخص نیست، بلکه برای سهام‌ها و شرکت‌ها و افراد دیگر هم هست. مثل اینکه شخصی وکیل چند شخص باشد، و احیاناً آن افراد و اشخاص خریدار یک جنس هستند، و کارگزار با توجه به وکالتی که دارد، برای آنها خرید و فروش می‌کند که زمان، مهم است. حالا اگر روزی وکیل طبق وکالتش خرید و فروش کند، موکل باید ملتزم باشد. و در بورس چنین اتفاقاتی می‌افتد. پس در این تطبیقات باید ببینیم که کدام شرعی و کدام غیر شرعی است.

#### 14- حرمت تبانی کارگزار با بعضی از اشخاص حقیقی یا حقوقی در بورس

یکی از اموری که گاهی معاملات غیر شرعی می‌شود، این است که کارگزار که نماینده چند نفر است، با صاحبان سهام یا بورس یا شرکت‌هایی تبانی کند؛ مانند اینکه چند نفر وکالت دادند کتاب برای ما بخر. این هم رفته به بازار در عین حال که اولی زودتر وکالت داده، برای دومی بخرد. آیا این معامله واقع می‌شود؟ شرعی می‌شود؟ گنهکار است؟ یا آثار وضعی هم دارد؟ معامله باطل است؟ یا حرام است؟ حرمت تکلیفی دارد؟ ان شاء الله وارد می‌شویم.

پس الآن ساختار بورس را تطبیق داشته باشیم؛ اگر تطبیقات را خوب پیش برویم، بعداً صحیح و سالم بودن را درست می‌توانیم بگوییم.

---

[1] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج 77، ص 322.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج 38، ص 29.

[3] زمر/سوره 39، آیه 9.

[4] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج 75، ص 67.

[5] نجم/سوره 53، آیه 39.

[6] غافر/سوره 40، آیه 3.

[7] نازعات/سوره 79، آیه 44.

[8] علق/سوره 96، آیه 8.

[9] ضحی/سوره 93، آیه 5.



[10]ضحى/سوره٩٣، آيه٤.

[11]تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج٢، ص٤٣.

[12]وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج١٧، ص٣٨١، أبواب آداب التجارة، باب ١، ح ١، ط آل البيت.

[13]تحف العقول، ابن شعبة الحراني، ج١، ص٣٢١.

[14]مائده/سوره٥، آيه١.